

تحلیل جامعه‌شناختی علل زمینه‌ای گسترش تشیع در نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران

حسن فدایی^۱ / امیر سیاهپوش^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۵/۰۳/۲۷
(DOI): 10.22034/shistu.2026.2082671.2579

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین علل زمینه‌ای این پدیده، از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز به عنوان چارچوب نظری بهره می‌گیرد و با رویکردی کیفی و تفسیری، داده‌های پژوهش را از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های میدانی گردآوری کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گسترش تشیع در نیجریه حاصل برهم‌کنش میان ساختارهای اجتماعی و کنشگری فعال کارگزاران بومی بوده است. در سطح ساختاری، زمینه‌های مذهبی نظیر مالکی‌گری و طریقت‌های صوفیه، زمینه‌های تاریخی همچون میراث حکومت اسلامی عثمان دان فودیو، بسترهای فرهنگی از جمله تساهل و تسامح مذهبی، عوامل اجتماعی مانند جمعیت جوان و نابرابری اقتصادی، و همچنین ساختار سیاسی - حقوقی مبتنی بر آزادی نسبی مذهب، نقش امکان‌ساز در این فرآیند ایفا کرده‌اند. این ساختارها منابع و قواعدی را فراهم ساخته‌اند که کنشگران شیعی توانسته‌اند از آن‌ها برای بازتعریف هویت مذهبی خود بهره‌گیرند. در سطح کارگزاری، نخبگان دینی و جوانان تحصیل‌کرده، به‌ویژه شیخ ابراهیم زکزاکی، نقش محوری در بازتولید اجتماعی تشیع داشته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تشیع در نیجریه در فرآیندی تدریجی، از یک گرایش سیاسی - انقلابی به یک هویت مذهبی نهادینه تحول یافته است. این پژوهش با ارائه الگویی تحلیلی مبتنی بر برهم‌کنش کارگزار و ساختار، بر ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی چندسطحی در مطالعه جنبش‌های مذهبی تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تشیع، نیجریه، انقلاب اسلامی ایران، ساخت‌یابی، کارگزار و ساختار، جامعه‌شناسی دین.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران / h.fadaei012@gmail.com
۲. استادیار گروه انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران / siahpooosh@maaref.ac.ir

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را می‌توان یکی از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی - اجتماعی جهان اسلام در قرن بیستم دانست؛ رخدادی که تأثیرات آن فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران گسترش یافت و در جوامع مسلمان بازتاب‌های متنوعی پیدا کرد. یکی از نمونه‌های قابل توجه این تأثیرپذیری، جامعه مسلمانان نیجریه در غرب آفریقا است؛ جامعه‌ای که پس از انقلاب اسلامی شاهد رشد چشمگیر جمعیت شیعیان بوده است.

با این حال، گسترش تشیع در نیجریه را نمی‌توان صرفاً نتیجه صدور ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران دانست. تجربه تاریخی نشان می‌دهد بسیاری از جوامع مسلمان، به رغم آشنایی با انقلاب اسلامی، شاهد تحول مشابهی نبوده‌اند. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر نه «تأثیر انقلاب اسلامی» به عنوان یک عامل بیرونی، بلکه چگونگی برهم‌کنش این عامل با زمینه‌ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی جامعه نیجریه است. در این پژوهش، «گسترش تشیع» صرفاً به افزایش تعداد شیعیان اطلاق نمی‌شود، بلکه فرآیندی اجتماعی است که در سه سطح قابل مشاهده است: نخست، گرایش افراد و گروه‌ها به آموزه‌های شیعی؛ دوم، شکل‌گیری نهادها و شبکه‌های اجتماعی شیعی مانند حسینیه‌ها، مراکز آموزشی و تشکل‌های مذهبی؛ و سوم، بازتولید نسلی هویت شیعی و تثبیت آن در عرصه عمومی. از این رو، گسترش تشیع در این مقاله به مثابه فرآیند تغییر و نهادینه‌سازی هویت مذهبی تحلیل می‌شود.

مقصود از تشیع سیاسی در این پژوهش، گرایش به آرمان‌هایی همچون حکومت اسلامی، عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و مقاومت سیاسی است که لزوماً با پذیرش کامل مبانی کلامی و فقهی تشیع همراه نیست. در مقابل، تشیع اعتقادی به پذیرش آموزه‌های کلامی، فقهی و هویتی مذهب امامیه دوازده‌امامی اطلاق می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تجربه نیجریه، بسیاری از کنشگران ابتدا از طریق تشیع سیاسی با انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی آشنا شدند و سپس به سوی تشیع اعتقادی گرایش پیدا کردند. این پژوهش بر این فرض استوار است که انقلاب اسلامی ایران نقش «کارگزار الهام‌بخش» را ایفا کرده، در حالی که زمینه‌های داخلی نیجریه نقش ساختارهای پذیرنده و

تسهیل‌گر را بر عهده داشته‌اند. در این چارچوب، گسترش تشیع حاصل کنش متقابل میان کنشگران اجتماعی (نخبگان دینی، جوانان انقلابی، رهبران جنبش اسلامی) و ساختارهای تاریخی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی جامعه نیجریه قلمداد می‌شود.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود؛ چه زمینه‌ها و ساختارهایی در جامعه نیجریه وجود داشته‌اند که کنشگری انقلاب اسلامی ایران و نخبگان متأثر از آن، توانسته است به گسترش تشیع منجر شود؟

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، تبیینی و از نظر روش، کیفی با رویکرد تحلیل اجتماعی است. چارچوب روش‌شناختی این پژوهش مبتنی بر نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز است که بر رابطه دیالکتیکی میان «کنشگران اجتماعی» و «ساختارها» تأکید دارد. (Giddens, 1984, P.25-28)

از منظر گیدنز، ساختارهای اجتماعی نه صرفاً محدودکننده کنش انسانی‌اند و نه مستقل از کنشگران شکل می‌گیرند، بلکه در بستر کنش‌های اجتماعی بازتولید یا دگرگون می‌شوند. بر این اساس، گسترش تشیع در نیجریه در این پژوهش به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی تحلیل می‌شود که در آن:

- انقلاب اسلامی ایران و رهبران دینی متأثر از آن (مانند شیخ ابراهیم زکزاکی) در جایگاه کارگزاران اجتماعی،
- و زمینه‌های مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیجریه در جایگاه ساختارهای اجتماعی به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند.

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. در بخش اسنادی، کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و منابع معتبر فارسی و غیرفارسی مرتبط با موضوع بررسی شده است. در بخش میدانی، مصاحبه‌هایی عمیق با ده تن از طلاب و فعالان نیجریه‌ای جامعه‌المصطفی‌العالمیه و نیز مسئول اداره آفریقای معاونت بین‌الملل این نهاد انجام گرفته است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند (Purposive Sampling) انجام شد. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان عبارت بود از: آشنایی

مستقیم با تحولات مذهبی نیجریه، تجربه زیسته در جامعه شیعی نیجریه، و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی یا فرهنگی مرتبط با موضوع پژوهش.

تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون انجام شده است. در این فرآیند، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و متون، ابتدا کدگذاری اولیه شده و سپس در قالب مقولات کلان سامان‌دهی گردیده‌اند. این مقولات در گام نهایی، ذیل دو سطح تحلیلی «کنشگران اجتماعی» و «ساختارهای اجتماعی» تفسیر شده‌اند تا سازوکارهای گسترش تشیع در نیجریه روشن گردد.

مراحل تحلیل مضمون در این پژوهش بدین شرح است:

۱. کدگذاری باز و استخراج مفاهیم اولیه از مصاحبه‌ها و اسناد؛

۲. کدگذاری محوری و تجمع کدها در مضامین میانی؛

۳. کدگذاری انتخابی و سازمان‌دهی مضامین ذیل دو مقوله اصلی «ساختارهای اجتماعی» و «کارگزاران اجتماعی» بر اساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز.

بر این اساس، یافته‌های پژوهش نه صرفاً گزارش تجربه‌ها و روایت‌های میدانی، بلکه تبیین نحوه برهم‌کنش میان عاملیت انسانی و زمینه‌های ساختاری در گسترش تشیع پس از انقلاب اسلامی ایران است. این رویکرد امکان می‌دهد تا تشیع در نیجریه به‌عنوان نتیجه یک فرآیند اجتماعی پویا و چندسطحی فهم شود، نه پدیده‌ای تک‌عاملی یا صرفاً ایدئولوژیک.

۳. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات مرتبط با نیجریه، اسلام و تشیع در این کشور از حیث رویکرد نظری و سطح تحلیل، عمدتاً در چارچوب توصیف تاریخی یا گزارش وضعیت باقی مانده‌اند. به بیان دیگر، بخش قابل توجهی از این آثار به «چه هست» پرداخته‌اند، بی‌آنکه به‌طور نظام‌مند به «چرا و چگونه» گسترش تشیع در نیجریه پاسخ دهند. از این منظر، مسئله اصلی در پیشینه موجود، فقدان تبیین جامعه‌شناختی فرآیند گسترش تشیع است.

در سطح نخست، بخشی از پژوهش‌ها به معرفی کلی کشور نیجریه و ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی آن پرداخته‌اند و در خلال این مباحث، اشاره‌هایی گذرا به وضعیت مسلمانان و شیعیان داشته‌اند. این مطالعات که بیشتر در قالب کتاب‌های توصیفی منتشر شده‌اند اطلاعات زمینه‌ای ارزشمندی فراهم می‌کنند، اما به دلیل فقدان چارچوب نظری مشخص، قادر به تبیین سازوکارهای اجتماعی مؤثر بر گسترش تشیع نیستند. آثاری چون: «نیجریه» نوشته حسین طالشی صالحانی، «سرزمین و مردم نیجریه» نوشته محمدرضا شکیبا، «جمهوری فدرال نیجریه (تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد)» نوشته معصومه نصیری و «نیجریه سرزمین زبان‌ها و قومیت‌ها» نوشته نوید رسولی در این دسته قرار می‌گیرند.

در سطح دوم، پژوهش‌هایی قرار دارند که با تمرکز بر اسلام در نیجریه، به بررسی وضعیت مذاهب اسلامی، ترکیب جمعیتی و پراکندگی جغرافیایی شیعیان پرداخته‌اند. این آثار، هرچند تصویری کلی از جایگاه تشیع در جامعه نیجریه ارائه می‌دهند، اما اغلب به سطح توصیف ساختارهای مذهبی بسنده کرده و رابطه این ساختارها با کنش اجتماعی و تحولات هویتی را مورد تحلیل قرار نداده‌اند. در نتیجه، تشیع در این مطالعات بیشتر به‌عنوان «واقعیت جمعیتی» و نه «فرآیند اجتماعی» فهم شده است. آثاری چون: «اسلام در نیجریه» نوشته محمدحسن مزروعی، «فرهنگ اسلامی و توسعه نیجریه» نوشته اوگبدا موسی‌تی‌جی و دیگران، «گذری بر جهان اسلام / اسلام در نیجریه» نوشته حمیدرضا شیخی در این دسته قرار می‌گیرند.

در سطح سوم، پژوهش‌هایی دیده می‌شود که مستقیماً به شیعیان نیجریه، جنبش اسلامی این کشور و پیامدهای فعالیت‌های آن پرداخته‌اند. این مطالعات، از جمله کتاب‌ها و مقالات مرتبط با تشکیلات جنبش اسلامی یا وضعیت فرهنگی و اجتماعی شیعیان، داده‌های میدانی و تاریخی مهمی ارائه می‌کنند، اما غالباً فاقد یک چارچوب نظری جامعه‌شناختی منسجم هستند. در بسیاری از این آثار، نقش عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی به‌صورت فهرست‌وار و بدون تبیین رابطه متقابل آن‌ها مطرح شده است. آثاری چون «شیعیان نیجریه» تالیف حبیب زمانی محبوب و رضا ادبی

فیروزجائی، مقاله «نگاهی به جنبش شیعیان نیجریه» نوشته عبدالله عبادی، مقاله «شیعیان نیجریه؛ بیم‌ها و امیدها» نوشته غلامرضا گلی زواره، مقاله «تأثیرات و بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در نیجریه» نوشته نازنین غیبی حاجی‌پور و مهدیه نامدار، مقاله «بررسی ساختار و تشکیلات جنبش اسلامی نیجریه و تاثیر آن بر گسترش تشیع در نیجریه» نوشته حبیب زمانی محبوب و رضا ادبی فیروزجائی و پایان‌نامه «بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی شیعیان نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران» نوشته مستانه منصوری‌پارسا در این دسته قرار می‌گیرند.

در سطح چهارم، بخشی از پژوهش‌ها بر نقش شخصیت شیخ ابراهیم زکزاکی و سبک رهبری او تمرکز دارند. این آثار، با برجسته‌سازی کارگزاری فردی، سهم مهمی در شناخت ابعاد شخصیتی و کنش‌گری رهبری جنبش اسلامی نیجریه داشته‌اند؛ با این حال، تمرکز پررنگ بر عامل فردی موجب شده است تحلیل ساختارهای اجتماعی و زمینه‌های امکان‌ساز این کنش‌گری تا حدی مغفول بماند. در نتیجه، تبیین ارائه‌شده در این مطالعات بیشتر به تحلیل‌های کارگزارمحور نزدیک است. آثاری چون: «شیخ ابراهیم یعقوب زاکزاکی و نقش بنیادین او در شکل‌گیری و گسترش تشیع در نیجریه» تألیف امیر بهرام عرب‌احمدی، پایان‌نامه «گسترش تشیع در نیجریه: سبک و رهبری و شیوه‌های تبلیغی آقای شیخ ابراهیم الزاکزاکی» نوشته حسین مادرشاهی و مقاله «بررسی جنبش شیخ عثمان بن فودی» نوشته حبیب زمانی محبوب در این دسته قرار می‌گیرند.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که خلأ اصلی مطالعات پیشین، نبود رویکردی است که بتواند به‌طور هم‌زمان نقش ساختارهای اجتماعی و کنشگری فعال کارگزاران را در فرآیند گسترش تشیع توضیح دهد. فقدان چنین رویکردی، موجب شده است بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل‌های تک‌عاملی یا سطحی بسنده کنند و از تبیین پویایی‌های اجتماعی این پدیده بازمانند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، می‌کوشد گسترش تشیع در نیجریه را به‌مثابه یک فرآیند اجتماعی چندسطحی تحلیل کند؛ فرآیندی که در آن، ساختارهای مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در تعامل با

کنشگری فعال نخبگان دینی و جوانان، به بازتولید و نهادینه‌شدن تشیع انجامیده‌اند. نوآوری این پژوهش در ارائه الگویی تحلیلی مبتنی بر برهم‌کنش کارگزار و ساختار است که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای مطالعه سایر جنبش‌های مذهبی در جوامع مسلمان نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل ذیل، بسترها و زمینه‌های گسترش تشیع در نیجریه را فراهم ساخته‌اند:

۴-۱. زمینه‌های مذهبی

۴-۱-۱. ساختار مذهبی جامعه نیجریه و آمادگی پذیرش تشیع

از منظر نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، ساختارهای مذهبی موجود در هر جامعه، ضمن آن‌که چارچوب کنش دینی را محدود می‌کنند، هم‌زمان امکان‌هایی را نیز برای کنشگران فراهم می‌سازند. (Giddens, 1984, P.25-28) در جامعه نیجریه، ساختار مذهبی اسلام سنی مالکی و شیوه زیست دینی مسلمانان، به‌گونه‌ای شکل گرفته که امکان بازتعریف هویت مذهبی در درون آن وجود داشته است.

اکثریت مسلمانان نیجریه پیرو مذهب مالکی هستند؛ مذهبی که از نظر فقهی و عملی، در مقایسه با جریان‌های سلفی و وهابی، نزدیکی بیشتری به فقه جعفری دارد (نعمتی، کردی، ۱۳۹۹، ص ۸۵). این نزدیکی فقهی، از جمله در شیوه اقامه نماز، سجده و برخی مناسک عبادی، موجب شده تشیع برای مسلمانان نیجریه به‌عنوان «گسست رادیکال» از سنت دینی پیشین تلقی نشود. در نتیجه، هزینه ذهنی و هویتی تغییر مذهب کاهش یافته و زمینه برای پذیرش تدریجی تشیع فراهم شده است. یکی از دانشجویان نیجریه‌ای طی مصاحبه‌ای بر این مسئله تأکید می‌ورزد: «احکام مالکی‌ها بسیار به شیعیان جعفری نزدیک است: به عنوان مثال آنها هنگام نماز دستانشان را نمی‌بندند، مانند وهابی‌ها در نماز جماعت اصرار ندارند که انگشتان پاهای مأمومین به یکدیگر بچسبند و برای سجده مقید هستند که یا بر روی زمین یا بر روی فرش سجده کنند که با الیاف طبیعی بافته شده باشد». (سایت رجانیوز، آذر ۱۳۹۴)

یافته‌های میدانی پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از مستبصران نیجریه‌ای، تشیع را نه به‌عنوان مذهب جدید، بلکه به‌مثابه «خوانشی منسجم‌تر» از آموزه‌هایی تلقی کرده‌اند که پیش‌تر در منابع دینی اهل سنت با آن‌ها آشنا بوده‌اند. (کردی، ۱۳۹۴، ۱۱۸-۱۱۹) این امر نشان می‌دهد که ساختار مذهبی موجود، خود به بازتولید امکان تشیع کمک کرده است.

۴-۱-۲. طریقت‌های صوفیه به‌مثابه ساختارهای تسهیل‌گر

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختار مذهبی نیجریه، گسترده‌گی طریقت‌های صوفیه به‌ویژه تیجانیه و قادریه است. این طریقت‌ها، با تأکید بر محبت و منزلت اهل بیت علیهم‌السلام، نوعی زیست‌جهان دینی را شکل داده‌اند که در آن، ارادت به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امری نهادینه و مشروع است. الشیخ حاج مالک سی و شریف محمد سعید حیدرا از شیوخ و بزرگان تیجانیه هستند که قصائدی را در خصوص ارادت به امام حسین علیه‌السلام و واقعه عاشورا سروده‌اند. (شاهدی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴) دولت محلی در ایالت کانو نیجریه، شیخ عبدالجبار نصیر کابارا از رهبران قادریه در نیجریه را از فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی در مدارس منع کرده است و اقدامات این روحانی را در چارچوب گسترش مذهب تشیع می‌داند. محمد رابع از طلاب جامعه‌المصطفی می‌گوید: «ایشان را دستگیر کرده‌اند زیرا وقتی سخنرانی می‌کند می‌گویند: او مردم را به سمت شیعه دعوت می‌کند. او طرفدار اهل‌البیت است و مدام احادیثی در مورد اهل‌بیت می‌خواند. در سخنرانی کسی به او نمی‌رسد. او طرفداران زیادی دارد. بعضی از طرفدارنش شیعه شده‌اند. ولی آن‌هایی که شیعه نشده‌اند هیچ مشکلی با شیعه ندارند». (مصاحبه نگارنده، دی ۱۴۰۰)

در چارچوب تحلیل ساختاری، می‌توان گفت: طریقت‌های صوفیه به‌عنوان ساختارهای معنایی، منابع تفسیری لازم برای کنش شیعی را در اختیار کنشگران قرار داده‌اند. (Giddens, 1984, P.29-34) تأکید صوفیه بر حدیث ثقلین، عصمت اهل‌بیت، احترام به سادات (شاهدی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴) و مرثیه‌سرایی برای امام حسین علیه‌السلام، موجب شده مفاهیم کلیدی تشیع پیشاپیش در ذهن و زبان مسلمانان نیجریه حضور داشته باشد.

به همین دلیل، کنشگرانی مانند شیخ ابراهیم زکراکی، در فرآیند دعوت به تشیع، کمتر با مقاومت معرفتی مواجه بوده‌اند و توانسته‌اند با اتکا به همین مشترکات، قرائت شیعی را به‌عنوان امتداد طبیعی دینداری موجود معرفی کنند. در این معنا، صوفیه نه عامل مستقیم تشیع، بلکه بستر ساختاری مشروعیت‌بخش آن بوده‌اند.

۴-۱-۳. محبت به اهل بیت (ع) و طبیعی سازی تشیع

یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که محبت به اهل بیت (ع) در میان مسلمانان نیجریه، پدیده‌ای فراگیر و فرامذهبی است. نام‌گذاری فرزندان (خبرگزاری فارس: دی ۱۳۹۴) و آیین‌های دینی همگی از حضور عمیق اهل بیت در فرهنگ دینی جامعه حکایت دارد.

از منظر تحلیلی، این محبت گسترده را می‌توان نوعی سرمایه نمادین دینی دانست که در فرآیند گسترش تشیع نقش کلیدی ایفا کرده است. این سرمایه نمادین، امکان آن را فراهم ساخته است که تشیع نه به‌عنوان مذهب «دیگری»، بلکه به‌مثابه مذهب وفادارتر به اهل بیت معرفی شود. در نتیجه، تشیع در فرآیند تدریجی طبیعی‌سازی شده و از حاشیه به متن زیست دینی بخشی از جامعه نیجریه منتقل گردیده است. ابوبکر محمد مینابوکار، اهل ایالت یوبه در شمال شرقی نیجریه از مستبصرین نیجریه‌ای می‌گوید: «من امیرالمومنین را از بچگی دوست می‌داشتم و این لطف الهی بود. بیشتر اهل سنت نیجریه، محب اهل بیت (ع) هستند؛ که این مسئله باعث شده تشیع گسترش پیدا کند». (مصاحبه نگارنده، دی ۱۴۰۰)

بر این اساس، می‌توان گفت: که زمینه‌های مذهبی موجود در نیجریه، نه صرفاً پیش‌زمینه‌ای منفعل، بلکه ساختارهایی فعال بوده‌اند که در تعامل با کنشگران شیعی، به بازتولید و تقویت تشیع انجامیده‌اند.

۴-۲. زمینه تاریخی

۴-۲-۱. میراث حکومت اسلامی عثمان دان فودیو

در چارچوب نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، گذشته تاریخی جوامع صرفاً مجموعه‌ای از وقایع سپری‌شده نیست، بلکه بخشی از ساختارهای تفسیری و معنایی است (Giddens, 1984, P.60-65) که کنشگران در زمان حال، کنش خود را بر اساس آن معنا

می‌کنند. از این منظر، تجربه حکومت اسلامی عثمان دان فودیو و خلافت سوکوتو را می‌توان یکی از مهم‌ترین ساختارهای تاریخی اثرگذار بر گسترش تشیع در نیجریه دانست. عثمان دان فودیو با تأسیس خلافت اسلامی سوکوتو در قرن نوزدهم، الگویی بومی از حکومت دینی، جهاد اصلاح‌گرانه و رهبری علمای دینی ارائه کرد. این تجربه تاریخی، هرچند در عمل پایان یافت، اما در حافظه تاریخی مسلمانان نیجریه باقی ماند و به‌عنوان مرجع مشروعیت برای حرکت‌های دینی-سیاسی بعدی عمل کرد. به بیان دیگر، ساختار تاریخی «امکان حکومت اسلامی» پیش‌تر در جامعه نیجریه تثبیت شده بود.

مهم‌ترین دیدگاه‌های شیخ عثمان عبارتند از: دعوت اسلامی، حرکت در راه خدا، ضرورت آموزش عامه مردم، مبارزه برای ایجاد ساختار جدید سیاسی از طریق جهاد، برقراری حکومت خلیفه‌گری با هدف نزدیک شدن به جامعه پیامبر اسلام. (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳) طرح شیخ عثمان دان فودیو برای تأسیس حکومت اسلامی همانند طرح ولایت فقیه در تفکر شیعی بوده است. وی اعتقاد راسخ داشت که علمای دینی باید سرنوشت مسلمانان را به دست گیرند و به هدایت امور دنیوی و اخروی آنان بپردازند. (مزروعی، ۱۳۶۶، ص ۱۹)

هدف اصلی قیام عثمان دان فودیو تجدید حیات اسلامی در جامعه و بازگشت به اسلام اصیل و ناب بود. قیام شیخ عثمان و حکومت اسلامی وی موجب نفوذ اسلام در منطقه غرب آفریقا می‌شود و اسلام از صورت مذهبی اقلیتی به صورت دین رسمی دولتی درمی‌آید. نتیجه دیگر قیام وی الهام‌پذیری جنبش‌ها و حرکت‌های جهادی فراوان در غرب آفریقا است. (زمانی محجوب، ۱۴۰۱، ص ۱۴۸).

یافته‌های میدانی پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از کنشگران اولیه گسترش تشیع در نیجریه، پیش از آشنایی با انقلاب اسلامی ایران، در پی احیای الگوی حکومت اسلامی عثمان دان فودیو بوده‌اند. در این مرحله، انقلاب اسلامی ایران نه به‌عنوان الگویی کاملاً بیگانه، بلکه به‌مثابه بازفعالسازی یک امکان تاریخی آشنا درک شد. این همان نقطه‌ای است که، به تعبیر گیدنز، ساختار تاریخی به‌واسطه کنش اجتماعی معاصر بازتولید می‌شود.

در این فرآیند، امام خمینی رحمه‌الله و انقلاب اسلامی ایران در نقش کارگزار نمادین فراملی ظاهر شدند؛ کارگزاری که توانست الگوی حکومت دینی موجود در حافظه تاریخی نیجریه را از سطح خاطره به سطح کنش سیاسی ارتقا دهد. به همین دلیل، علاقه اولیه فعالان اسلامی نیجریه به انقلاب اسلامی، پیش از آن‌که ماهیتی کلامی یا فرقه‌ای داشته باشد، ماهیتی سیاسی - تاریخی داشت.

بر اساس داده‌های مصاحبه‌ها، بسیاری از قدمای شیعه نیجریه، مسیر تحول فکری خود را از گرایش به اخوان المسلمین و مطالعات اسلامی اصلاح‌طلبانه آغاز کرده‌اند. این مسیر نشان می‌دهد که تشیع، در مرحله نخست، نتیجه جست‌وجوی یک الگوی موفق برای تحقق حکومت اسلامی بوده است، نه نتیجه تبلیغ مستقیم مذهبی. تنها پس از آن‌که کنشگران نیجریه‌ای، امام خمینی رحمه‌الله را به‌عنوان رهبر موفق یک انقلاب اسلامی شناسایی کردند، پذیرش مذهب تشیع به‌عنوان مبنای فکری آن انقلاب معنا پیدا کرد. آدم موسی اوکینی از فارغ‌التحصیلان جامعة المصطفی و از مستبصرین نیجریه‌ای می‌گوید: ما قبلاً انقلاب عثمان دان فودیو را خوانده بودیم و سابقه انقلاب اسلامی در کشورمان وجود داشت. با خودمان می‌گفتیم چه کسی می‌تواند مثل عثمان دان فودیو انقلاب ایجاد کند؟ ابتدا فعالیت‌های اخوان المسلمین را در همان راستا دیده و به اخوان المسلمین گرایش پیدا کردیم. در همین زمان بود که صدای انقلاب اسلامی امام خمینی رحمه‌الله آمد و همه به سمت امام رفتیم و او را دوست می‌داشتیم. (مصاحبه نگارنده، دی ۱۴۰۰)

از منظر تحلیلی، می‌توان گفت: تشیع در نیجریه ابتدا در سطح «سیاست دینی» پذیرفته شد و سپس در سطح «هویت مذهبی» نهادینه گردید. این تقدم سیاست بر هویت، یکی از تمایزهای مهم تجربه نیجریه با سایر جوامع مسلمان است و بدون توجه به زمینه تاریخی عثمان دان فودیو، قابل تبیین نیست.

همچنین روایت‌های رایج درباره پیش‌بینی ظهور شخصیتی به نام «ابراهیم» در آثار منسوب به عثمان دان فودیو (گروه مستند روایت فتح: تابستان ۱۳۹۸)، فارغ از داوری تاریخی درباره صحت آن‌ها، نقش مهمی در مشروعیت‌بخشی کاریزماتیک به شیخ ابراهیم زکزاکی ایفا کرده‌اند. این روایت‌ها، با پیوند دادن کنشگر معاصر به ساختار معنایی گذشته، به تثبیت رهبری او در میان پیروان انجامیده است.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که حکومت اسلامی عثمان دان فودیو نه صرفاً یک واقعه تاریخی، بلکه ساختاری زنده در حافظه جمعی مسلمانان نیجریه بوده است که در تعامل با انقلاب اسلامی ایران و کنشگران شیعی، به بازتولید اجتماعی تشیع انجامیده است.

۳-۴. زمینه فرهنگی

۳-۴-۱. تساهل و تسامح مذهبی در جامعه نیجریه

در نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، فرهنگ بخشی از ساختار اجتماعی است که از طریق قواعد نانوشته، عادت‌های جمعی و معانی مشترک، کنش اجتماعی را هدایت می‌کند. از این منظر، تساهل و تسامح مذهبی در جامعه نیجریه را باید به‌عنوان یک ساختار فرهنگی نهادینه‌شده در نظر گرفت که نقش مهمی در امکان‌پذیر شدن گسترش تشیع ایفا کرده است.

یافته‌های میدانی پژوهش نشان می‌دهد که در بخش قابل‌توجهی از جامعه نیجریه، تغییر مذهب یا گرایش مذهبی، برخلاف بسیاری از جوامع اسلامی دیگر، الزاماً با طرد اجتماعی، گسست خانوادگی یا خشونت نمادین همراه نیست. این ویژگی فرهنگی، موجب شده کنشگران مذهبی بتوانند بدون مواجهه با موانع شدید اجتماعی، به بازتعریف هویت دینی خود بپردازند. در چارچوب تحلیلی، می‌توان گفت هزینه اجتماعی تغییر مذهب در نیجریه نسبتاً پایین است و این امر، یکی از عوامل تسهیل‌کننده گسترش تشیع به شمار می‌آید. احمد الحاج از مستبصرین نیجریه‌ای می‌گوید: «در نیجریه شما می‌توانید در یک خانواده هم شیعه ببینید و هم سنی و هیچ مشکلی هم نیست». (مصاحبه نگارنده: دی ۱۴۰۰)

این تساهل مذهبی را نمی‌توان صرفاً محصول قوانین مدرن یا نهادهای رسمی دانست، بلکه ریشه آن را باید در زیست دینی سنتی و چندلایه جامعه نیجریه جست‌وجو کرد. هم‌زیستی تاریخی مسلمانان با گرایش‌های مختلف فقهی، طریقت‌های صوفیه، و همچنین هم‌جواری طولانی مدت با مسیحیان، موجب شکل‌گیری نوعی «عادت فرهنگی مدارا» شده است. این عادت، به تعبیر گیدنز، بخشی از قواعد بازتولیدکننده نظم اجتماعی محسوب می‌شود.

در این بستر فرهنگی، تشیع نه به‌عنوان تهدیدی علیه نظم دینی موجود، بلکه به‌عنوان یکی از اشکال ممکن دینداری اسلامی درک شده است. روایت‌های میدانی متعدد از حمایت اهل سنت و حتی در برخی موارد جریان‌های سلفی از شیعیان در برابر خشونت دولتی، نشان می‌دهد که مرزهای فرقه‌ای در سطح فرهنگ روزمره، انعطاف‌پذیرتر از مرزهای رسمی و سیاسی هستند. حمزه امام از مدیران شبکه جهانی هادی‌تی‌وی و از مستبصرین می‌گوید:

حکومت به مردم در روزهای قدس و عاشورا حمله می‌کرد. در بعضی از شهرها خود مردم می‌آمدند و از شیعیان حمایت می‌کردند در حالی که آن‌ها از اهل تسنن بودند. حتی در بعضی از شهرها وهابی‌ها هم از شیعیان دفاع می‌کنند. به طور مثال شیخ آدم احمد از شیعیان مشهور و از اعضای برجسته جنبش اسلامی نیجریه در منطقه‌ای بوده است. ارتش حسینیة ایشان و مدرسه‌ای را که آن‌جا بود خراب کرد بعد از خراب کردن مدرسه، به سمت خانه ایشان آمدند. ولی مردم گفتند: شما اجازه ندارید این کار را بکنید با اینکه وهابی بودند. گفتند: ما اجازه نمی‌دهیم شما این کار را علیه ایشان انجام دهید. اگر شما می‌خواهید خانه ایشان را نابود کنید اول ما را بکشید. وهابیون منطقه چند روز از ایشان و خانه ایشان نگهداری و محافظت می‌کردند. (مصاحبه نگارنده: بهمن ۱۴۰۰)

از منظر ساخت‌یابی، این وضعیت را می‌توان نوعی «گسست میان ساختار فرهنگی و ساختار سیاسی» دانست. در حالی که ساختار سیاسی دولت نیجریه در مقاطعی رویکردی سخت‌گیرانه و امنیتی نسبت به شیعیان اتخاذ کرده است، ساختار فرهنگی جامعه محلی، در بسیاری از مناطق، به بازتولید هم‌زیستی و حمایت اجتماعی از شیعیان ادامه داده است. این شکاف ساختاری، به کنشگران شیعی امکان داده است حتی در شرایط فشار سیاسی، شبکه‌های اجتماعی و دینی خود را حفظ و بازتولید کنند.

همچنین تساهل مذهبی موجود، امکان حضور فعال شیعیان در فضاها و عرصه‌های عمومی اهل سنت از جمله مساجد مشترک، مراسم عبادی و حتی منبرها را فراهم ساخته است.

(مصاحبه نگارنده: دی ۱۴۰۰) این حضور مشترک، به تدریج موجب عادی‌سازی گفتمان شیعی و کاهش حساسیت‌های فرقه‌ای شده و تشیع را از موقعیت «اقلیت نامأنوس» به موقعیت «بخشی از تنوع اسلامی» منتقل کرده است.

در نتیجه، می‌توان گفت: تساهل و تسامح مذهبی در نیجریه نه یک عامل حاشیه‌ای، بلکه ساختاری فرهنگی و فعال بوده که در تعامل با کنشگری نخبگان شیعی، امکان نهادینه شدن تشیع را فراهم ساخته است. بدون وجود این بستر فرهنگی، حتی حضور کنشگران فعال و الهام‌بخش نیز نمی‌توانست به گسترش پایدار تشیع بینجامد.

۴-۴. زمینه‌های اجتماعی

در چارچوب نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، ساختارهای اجتماعی شامل نابرابری‌ها، توزیع منابع، فرصت‌های نابرابر و محدودیت‌های نهادی هستند که کنشگران در دل آن‌ها معنا می‌یابند و دست به کنش می‌زنند. گسترش تشیع در نیجریه را می‌توان در بستر چنین ساختارهایی تحلیل کرد؛ ساختارهایی که در آن‌ها جوانان، بیش از سایر گروه‌های اجتماعی، در معرض فشار، محرومیت و در عین حال امکان کنش‌گری قرار داشته‌اند.

۴-۴-۱. جوانان به مثابه کارگزاران اجتماعی تحول‌خواه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از گرایش به تشیع در نیجریه، در میان جوانان شکل گرفته است. این امر را نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌های روان‌شناختی سن جوانی تقلیل داد، بلکه باید آن را در پیوند با موقعیت اجتماعی جوانان در جامعه نیجریه تحلیل کرد. جوانان نیجریه‌ای با جمعیتی گسترده، سطح بالای بیکاری، دسترسی محدود به منابع اقتصادی و احساس محرومیت نسبی، در موقعیتی قرار دارند که به‌طور طبیعی مستعد پذیرش گفتمان‌های تحول‌خواه و اعتراضی هستند.

در این شرایط، تشیع نه صرفاً به‌عنوان یک مذهب، بلکه به‌عنوان چارچوبی معنابخش برای اعتراض اخلاقی و اجتماعی ظاهر شده است. مفاهیمی چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، شهادت و مقاومت که در گفتمان شیعی برجسته‌اند، برای جوانانی که تجربه زیسته نابرابری و تبعیض دارند، ظرفیت بسیج‌کنندگی بالایی داشته است. به بیان دیگر، تشیع توانسته زبان دینی مناسبی برای بیان نارضایتی‌های اجتماعی فراهم آورد.

یکی از نقاط کانونی کنش‌گری جوانان در نیجریه از جمله شیخ زکزاکی، انجمن‌های دانشجویان مسلمان بوده است. این انجمن‌ها را می‌توان به‌عنوان فضاهاى میانجی میان ساختار و کنش تحلیل کرد؛ فضاهایی که در آن‌ها ایده‌ها مبادله می‌شوند، هویت‌ها بازتعریف می‌گردند (Giddens, 1979, P.49-53) و کنش جمعی سازمان می‌یابد.

مطالعه آثار متفکران اسلامی، مانند حسن‌البنّا و سید قطب، در میان اعضای این انجمن‌ها، نشان می‌دهد که گرایش اولیه بسیاری از کنشگران به سوی انقلاب اسلامی ایران، پیش از آن‌که فرقه‌ای باشد، سیاسی - اجتماعی بوده است. (منصوری‌پارسا، ۱۳۹۳، ص ۸۰) انقلاب اسلامی در این بستر، به‌عنوان نمونه‌ای موفق از تحقق ایده «اسلام سیاسی» تلقی شد و همین تلقی، مسیر حرکت فکری کنشگران را به‌سوی تشیع هموار ساخت.

در چارچوب ساخت‌یابی، می‌توان گفت: این انجمن‌ها منابع سازمانی و تفسیری لازم را برای کنش شیعی فراهم کردند و به بازتولید شبکه‌ای از فعالان مذهبی انجامیدند که بعدها هسته اصلی جنبش اسلامی نیجریه را شکل دادند.

۴-۴-۲. جمعیت جوان و پویایی بازتولید اجتماعی

ساختار جمعیتی نیجریه، با میانگین سنی پایین و نرخ باروری بالا (Worldometer, 2025)، نقش مهمی در تداوم و گسترش تشیع ایفا کرده است. جوانی جمعیت، از یک‌سو موجب پویایی اجتماعی و آمادگی برای تغییر شده و از سوی دیگر، امکان بازتولید نسلی تشیع را فراهم ساخته است. بسیاری از شیعیان امروز نیجریه، نه از طریق تغییر مذهب، بلکه از طریق تولد در خانواده‌های شیعی وارد این هویت مذهبی شده‌اند.

از منظر تحلیلی، این فرآیند را می‌توان گذار از تشیع کنشی به تشیع نهادی دانست؛ گذاری که در آن، تشیع از یک انتخاب فردی و اعتراضی، به یک هویت پایدار اجتماعی تبدیل شده است. این گذار، یکی از نشانه‌های موفقیت تشیع در نهادینه شدن در جامعه نیجریه به شمار می‌آید.

۴-۴-۳. فقر، نابرابری و جذابیت گفتمان عدالت‌محور شیعی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی گسترش تشیع در نیجریه، وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی بخش بزرگی از جامعه است. (خبرگزاری فارس: بهمن ۱۳۹۸) علی‌رغم

برخورداری کشور از منابع طبیعی غنی، توزیع نابرابر ثروت، فساد ساختاری و ضعف خدمات عمومی، موجب شکل‌گیری احساس گسترده بی‌عدالتی شده است.

در چنین شرایطی، گفتمان شیعی با تأکید بر عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفان و مبارزه با ظلم، توانسته به‌عنوان منبع اخلاقی مقاومت عمل کند. تشیع برای بسیاری از اقشار محروم، نه فقط یک نظام اعتقادی، بلکه چارچوبی برای فهم ریشه‌های ظلم و امکان تغییر آن بوده است. محمد امین از شیعیان نیجریه‌ای می‌گوید: «جامعه، پذیرش تشیع را یک راه برای خلاصی از ظلم می‌داند». (مصاحبه نگارنده: بهمن ۱۴۰۰) این امر توضیح می‌دهد که چرا تشیع، به‌ویژه در مناطق فقیرنشین، با استقبال بیشتری مواجه شده است.

با جمع‌بندی عوامل فوق، می‌توان گفت: تشیع در نیجریه در بستر زمینه‌های اجتماعی موجود، به‌تدریج به پاسخی اجتماعی به تجربه نابرابری، محرومیت و بی‌عدالتی تبدیل شده است. در این معنا، تشیع نه صرفاً نتیجه تبلیغ مذهبی، بلکه حاصل کنش فعال جوانان و نخبگان در مواجهه با ساختارهای نابرابر اجتماعی بوده است.

۴-۴-۴. نقش تجار لبنانی در گسترش تشیع در نیجریه: تحلیلی فراتر از تبلیغ مستقیم

حضور شیعیان لبنانی در نیجریه، به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم، یکی از متغیرهایی است که در تحلیل گسترش تشیع در این کشور همواره محل اختلاف نظر بوده است. برخی روایت‌ها بر نقش پررنگ آنان در ترویج تشیع تأکید دارند، در حالی که داده‌های میدانی پژوهش حاضر، این نقش را محدود، غیرمستقیم و فاقد ماهیت تبلیغی سازمان‌یافته نشان می‌دهد. برای فهم دقیق این مسئله، لازم است از تحلیل ساده «تبلیغ یا عدم تبلیغ» عبور کرده و آن را در چارچوب تحلیل ساختاری-کارگزاری بررسی کرد.

از منظر نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، کنشگران اجتماعی لزوماً از طریق کنش مستقیم و آگاهانه بر تحولات اجتماعی اثر نمی‌گذارند، بلکه گاه با حضور پایدار خود در ساختارهای اجتماعی، به بازتولید معنا، هویت و امکان‌های کنش کمک می‌کنند. بر این اساس، نقش تجار لبنانی را می‌توان بیشتر در سطح ساختار اجتماعی و نمادین تحلیل کرد تا کنش تبلیغی مستقیم.

یافته‌های میدانی نشان می‌دهد تجار لبنانی در جامعه نیجریه عمدتاً به‌عنوان «کنشگران اقتصادی» شناخته می‌شدند، نه مبلغان مذهبی. آقای صلاتی از طلاب نیجریه‌ای می‌گوید: «تجار لبنانی به اسم تاجر شناخته می‌شدند نه به اسم شیعه. اکثر آن‌ها شیعه بودن خود را ابراز و اظهار نمی‌کردند. قبل از انقلاب اسلامی برای گسترش تشیع کاری انجام نداده‌اند و به عنوان تاجر شناخته می‌شدند». (مصاحبه نگارنده: بهمن ۱۴۰۰) آنان عموماً در شهرهای اقتصادی مهم مانند کانو و لاگوس مستقر بوده و پیش از انقلاب اسلامی ایران، فعالیت قابل‌توجهی در زمینه تبلیغ تشیع نداشته‌اند. حتی بسیاری از آنان هویت مذهبی خود را به‌صورت آشکار بروز نمی‌دادند. این واقعیت، فرضیه «نقش مستقیم و سازمان‌یافته تجار لبنانی در گسترش تشیع» را تضعیف می‌کند.

با این حال، تحلیل ساختاری نشان می‌دهد حضور این گروه، به‌طور غیرمستقیم، چند کارکرد مهم در فرآیند گسترش تشیع داشته است. نخست آن‌که، وجود یک اقلیت شیعه باثبات و نسبتاً موفق اقتصادی، تصویر منفی یا حاشیه‌ای از تشیع را در ذهن جامعه میزبان تضعیف کرده است. این حضور، تشیع را از یک هویت صرفاً نظری یا انقلابی، به یک واقعیت اجتماعی قابل مشاهده تبدیل کرده است.

دوم آن‌که، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز گسترش تشیع در میان نیجریه‌ای‌ها، بخشی از تجار لبنانی به‌عنوان منابع حمایتی (نه هدایت‌گر) وارد میدان شدند. حمایت مالی از ساخت حسینیه‌ها، برگزاری مناسک مذهبی و پشتیبانی محدود از فعالیت‌های دینی، به تثبیت زیرساخت‌های اجتماعی تشیع کمک کرده است. در این مرحله، نقش آنان نه آغازگر، بلکه تقویت‌کننده و تثبیت‌کننده بوده است. مسئول اداره آفریقایی جامعه‌المصطفی نیز در مورد حمایت تجار لبنانی از شیعیان نیجریه می‌گوید: «بعضی از تجار لبنانی، بعضی از مبلغین را حمایت می‌کنند و اگر مکانی بخواهد برای او می‌سازند. یکی از تجار لبنانی نصف خانه ۱۵۰۰ متری خودش را در کانو به برنامه دعای کمیل اختصاص داده بود». (مصاحبه نگارنده: بهمن ۱۴۰۰)

سوم آن‌که، تجار لبنانی با ایجاد فضاهای مذهبی خصوصی (مانند مجالس دعا و عزاداری در منازل)، به شکل‌گیری هسته‌های اولیه زیست مذهبی شیعی کمک کردند؛

هسته‌هایی که بعدها توسط شیعیان بومی نیجریه‌ای گسترش یافت. این الگو نشان می‌دهد تشیع در نیجریه، برخلاف برخی تصورات، از مسیر «بومی‌سازی» پیش رفته و نه «تحمیل خارجی».

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت نقش تجار لبنانی را باید در چارچوب تأثیر ساختاری غیرمستقیم فهم کرد. آنان نه مبلغان اصلی تشیع بوده‌اند و نه عامل تعیین‌کننده در آغاز این فرآیند؛ بلکه حضورشان به‌عنوان یک اقلیت شیعه پایدار، به کاهش مقاومت اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های حداقلی و تثبیت هویت شیعی در مراحل بعدی کمک کرده است.

این تحلیل همچنین نشان می‌دهد که کانون اصلی گسترش تشیع در نیجریه، کنشگران بومی و زمینه‌های داخلی بوده‌اند و هرگونه تبیین تک‌عاملی مبتنی بر نقش بازیگران خارجی، از درک پیچیدگی این پدیده باز می‌ماند.

۴-۵. زمینه سیاسی

۴-۵-۱. آزادی اندیشه و مذهب در ساختار سیاسی نیجریه

در چارچوب نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، ساختارهای سیاسی و حقوقی را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد رسمی دانست که هم‌زمان کنش اجتماعی را محدود و امکان‌پذیر می‌سازند. قانون اساسی نیجریه و نظام حقوقی حاکم بر آن، یکی از مهم‌ترین ساختارهای سیاسی‌ای است که در فرآیند گسترش تشیع نقش تسهیل‌گر ایفا کرده است؛ نقشی که بدون تحلیل دقیق آن، فهم پویایی تشیع در این کشور ناقص خواهد بود.

قانون اساسی نیجریه، به‌ویژه در نسخه مصوب سال ۱۹۹۹، اصل آزادی اندیشه، عقیده و مذهب را به رسمیت شناخته است. این اصل، به‌صورت حقوقی امکان تغییر مذهب، تبلیغ دینی، برگزاری مناسک مذهبی و فعالیت جمعی مذهبی را چه در فضای خصوصی و چه در عرصه عمومی فراهم می‌کند. (منصوری‌پارسا، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲) از منظر تحلیلی، این چارچوب حقوقی را می‌توان ساختار رسمی امکان‌ساز برای کنش مذهبی شیعیان دانست.

در چنین بستری، تشیع در نیجریه برخلاف بسیاری از کشورهای مسلمان، از ابتدا ناچار به فعالیت پنهان یا زیرزمینی نبوده است. امکان برگزاری علنی مراسم مذهبی، راهپیمایی‌ها، مجالس عزاداری و حضور در رسانه‌ها، به شیعیان اجازه داده که نه تنها به عنوان یک گرایش اعتقادی، بلکه به عنوان یک کنش جمعی قابل مشاهده در فضای عمومی شکل بگیرد. این علنی بودن، نقش مهمی در فرآیند نهادینه شدن تشیع ایفا کرده است.

با این حال، تحلیل ساخت‌یابی ایجاب می‌کند که میان «ساختار حقوقی» و «عملکرد سیاسی» تمایز قائل شویم. (Giddens, 1984, P.100-119) داده‌های میدانی نشان می‌دهد به رغم وجود آزادی مذهبی در قانون اساسی، رفتار دولت نیجریه در مقاطعی به ویژه در مواجهه با جنبش اسلامی نیجریه با رویکردی امنیتی و سرکوب‌گرانه همراه بوده است. این تعارض، نشان‌دهنده شکاف میان قواعد رسمی و کنش نهادی دولت است.

از منظر گیدنز، چنین شکافی به معنای از کار افتادن ساختار نیست، بلکه نشان‌دهنده چندلایگی ساختار سیاسی است. در حالی که نهادهای امنیتی و سیاسی در سطحی خاص، کنش شیعیان را محدود کرده‌اند، ساختار حقوقی و فدرالیسم سیاسی نیجریه، در سطحی دیگر، امکان تداوم کنش مذهبی را حفظ کرده است. وجود ایالت‌های متعدد با درجات مختلفی از سخت‌گیری مذهبی، به شیعیان اجازه داده است شبکه‌های خود را در مقیاس ملی بازتوزیع و بازتولید کنند.

علاوه بر این، آزادی نسبی رسانه‌ها به ویژه رادیوهای محلی به کنشگران شیعی امکان داده تا از ابزارهای ارتباطی برای بازنمایی گفتمان خود استفاده کنند. صلاتی با توجه به آزادی مذهب در نیجریه می‌گوید: «در مراسم بزرگ مثل عاشورا، غدیر، میلاد پیامبر به رادیو می‌رویم. در نیجریه رادیو آزاد است به شرطی که شما ضد دولت حرف نزنید. پول می‌دهی و زمان می‌گیری و سخنرانی انجام می‌دهی. شیعه، مسیحی و سنی فرقی نمی‌کند. زمانی را می‌خریم تا در مورد عاشورا بحث کنیم که تاثیر دارد». (مصاحبه نگارنده: بهمن ۱۴۰۰) این امر، تشیع را از یک هویت محلی یا محفلی، به گفتمانی قابل دسترس برای عموم جامعه تبدیل کرده است. در تحلیل اجتماعی، این سطح از دسترسی رسانه‌ای را می‌توان بخشی از منابع قدرت نرم کنشگران مذهبی دانست.

در نتیجه، می‌توان گفت: که ساختار سیاسی نیجریه، به رغم تناقض‌ها و تنش‌های درونی، در مجموع بستری را فراهم کرده که در آن تشیع توانسته از مرحله کنش محدود و غیررسمی عبور کرده و به یک پدیده اجتماعی پایدار تبدیل شود. بدون وجود این چارچوب حقوقی-سیاسی، حتی زمینه‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز نمی‌توانستند به گسترش علنی و گسترده تشیع منجر شوند.

۴-۶. جمع‌بندی تحلیلی (الگوی علل زمینه‌ای گسترش تشیع در نیجریه؛ بر مبنای نظریه ساختاری-آنتونی گیدنز)

۴-۶-۱. صورت‌بندی مسئله در سطح نظری

این پژوهش با هدف عبور از روایت‌های توصیفی و تبیین علی-تفسیری گسترش تشیع در نیجریه، از نظریه ساختاری-آنتونی گیدنز به‌عنوان چارچوب تحلیلی بهره گرفته است. بر اساس این رویکرد، تحولات اجتماعی نه محصول ساختارهای از پیش تعیین‌شده‌اند و نه نتیجه اراده صرف کنشگران، بلکه حاصل برهم‌کنش دیالکتیکی میان کارگزار و ساختار هستند.

مطالعه موردی نیجریه نشان می‌دهد که تشیع نه از طریق تبلیغ مستقیم و خطی، بلکه در فرآیندی چندسطحی و تدریجی گسترش یافته است؛ فرآیندی که در آن، کنشگران بومی توانسته‌اند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ساختاری موجود، هویت مذهبی جدیدی را بازتعریف و بازتولید کنند.

۴-۶-۲. ساختارها به مثابه زمینه‌های امکان‌ساز

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از ساختارهای مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در امکان‌پذیر شدن گسترش تشیع در نیجریه ایفا کرده‌اند. این ساختارها عبارت‌اند از:

- ساختار مذهبی: مالکی‌گری و طریقت‌های صوفیه، با کاهش فاصله فقهی و عاطفی میان اهل سنت و تشیع، هزینه هویتی گرایش مذهبی را کاهش داده‌اند.
- ساختار تاریخی: تجربه حکومت اسلامی عثمان دان فودیو، به‌عنوان حافظه تاریخی فعال، امکان تصور حکومت دینی و کنش سیاسی اسلامی را مشروعیت بخشیده است.

- ساختار فرهنگی: تساهل و تسامح مذهبی، به‌عنوان عادت فرهنگی نهادینه‌شده، از طرد اجتماعی شیعیان جلوگیری کرده است.
- ساختار اجتماعی: جمعیت جوان، نابرابری اقتصادی و احساس محرومیت نسبی، زمینه پذیرش گفتمان عدالت‌خواه شیعی را فراهم ساخته است.
- ساختار سیاسی - حقوقی: آزادی نسبی مذهب و فدرالیسم سیاسی، امکان کنش علنی و پایدار مذهبی را فراهم کرده است.

این ساختارها، به تعبیر گیدنز، مجموعه‌ای از قواعد و منابع بوده‌اند که کنشگران شیعی توانسته‌اند از آن‌ها برای پیشبرد کنش خود بهره بگیرند.

۴-۶-۳. کارگزاران: از نخبگان دینی تا کنشگران جوان

در سطح کارگزاری، نقش کنشگران بومی به‌ویژه نخبگان دینی و جوانان تحصیل‌کرده در گسترش تشیع برجسته است. شیخ ابراهیم زکزاکی را می‌توان نمونه‌ای از کارگزار تحول‌آفرین دانست که توانسته با تفسیر جدیدی از منابع دینی و سیاسی، ساختارهای موجود را به نفع گسترش تشیع بازتعریف کند.

جوانان نیز، با بهره‌گیری از انجمن‌های دانشجویی، شبکه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی، به بازتولید اجتماعی تشیع در سطح جامعه کمک کرده‌اند. در این معنا، تشیع در نیجریه بیش از آن‌که محصول انتقال بیرونی باشد، نتیجه کنش خلاقانه و بومی کنشگران داخلی است.

۴-۶-۴. تشیع به مثابه فرآیند اجتماعی

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، نشان دادن تشیع به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی چندمرحله‌ای است. این فرآیند را می‌توان در سه مرحله خلاصه کرد:

۱. مرحله آشنایی سیاسی: جذب اولیه کنشگران از طریق انقلاب اسلامی و گفتمان حکومت دینی.

۲. مرحله پذیرش اعتقادی: گرایش تدریجی به مبانی کلامی و فقهی تشیع.

۳. مرحله نهادینه‌سازی اجتماعی: بازتولید نسلی، شکل‌گیری نهادها و تثبیت هویت شیعی.

این مدل نشان می‌دهد که تشیع در نیجریه از یک کنش اعتراضی و تحول‌خواه، به یک هویت مذهبی پایدار تبدیل شده است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین علل زمینه‌ای گسترش تشیع در نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران، کوشید از سطح توصیف‌های روایی و گزارش‌های میدانی فراتر رفته و با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، تحلیلی جامعه‌شناختی از این پدیده ارائه دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گسترش تشیع در نیجریه را نمی‌توان به یک عامل منفرد - نظیر تبلیغ مذهبی، نفوذ خارجی یا جذابیت صرف انقلاب اسلامی - تقلیل داد، بلکه این پدیده حاصل برهم‌کنش پیچیده میان ساختارهای اجتماعی و کنشگری فعال کارگزاران بومی است. (Giddens, 1984, P.25-28 & P.70-75)

در سطح ساختاری، مجموعه‌ای از زمینه‌های مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، امکان ظهور و تداوم تشیع را فراهم ساخته‌اند. مالکی‌گری و طریقت‌های صوفیه، با ایجاد نزدیکی فقهی و عاطفی به اهل بیت (ع)، بستر مذهبی پذیرش تشیع را مهیا کرده‌اند. تجربه تاریخی حکومت اسلامی عثمان دان فودیو نیز، به‌عنوان بخشی از حافظه تاریخی مسلمانان نیجریه، امکان تصور حکومت دینی و کنش سیاسی اسلامی را مشروعیت بخشیده است. از سوی دیگر، تساهل و تسامح مذهبی در فرهنگ دینی جامعه، از طرد اجتماعی شیعیان جلوگیری کرده و تشیع را به‌عنوان یکی از اشکال مشروع دینداری اسلامی طبیعی‌سازی نموده است.

در سطح اجتماعی و سیاسی، جمعیت جوان، نابرابری اقتصادی، احساس محرومیت نسبی و آزادی نسبی مذهب در چارچوب حقوقی نیجریه، نقش مهمی در تبدیل تشیع به یک کنش جمعی پایدار ایفا کرده‌اند. این عوامل موجب شده‌اند تشیع، به‌ویژه در میان جوانان و اقشار محروم، نه صرفاً به‌عنوان یک انتخاب اعتقادی، بلکه به‌مثابه گفتمانی عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز معنا یابد. در این میان، حضور تجار لبنانی را باید نه عامل آغازگر، بلکه عاملی تقویت‌کننده و ساختاری دانست که به تثبیت زیرساخت‌های اجتماعی تشیع در مراحل بعدی کمک کرده است.

در سطح کارگزاری، نقش کنشگران بومی - به‌ویژه نخبگان دینی و جوانان تحصیل‌کرده - در بازتولید اجتماعی تشیع برجسته است. شیخ ابراهیم زکراکی به‌عنوان یک کارگزار تحول‌آفرین، توانسته است با پیوند دادن گفتمان انقلاب اسلامی ایران به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی نیجریه، تشیع را از یک گرایش سیاسی-انقلابی به یک هویت مذهبی نهادینه تبدیل کند. این فرآیند نشان می‌دهد که تشیع در نیجریه مسیری تدریجی را طی کرده و از «تشیع کنشی» به «تشیع نهادی» گذار یافته است.

در مجموع، دستاورد اصلی این پژوهش ارائه الگویی تحلیلی است که گسترش تشیع در نیجریه را به‌مثابه یک فرآیند اجتماعی چندسطحی و پویا تبیین می‌کند. این الگو نشان می‌دهد که تنها از طریق توجه هم‌زمان به ساختارهای امکان‌ساز و کنشگری فعال کارگزاران می‌توان پیچیدگی این پدیده را به‌درستی فهم کرد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای مطالعه سایر جنبش‌های مذهبی در جوامع مسلمان مورد استفاده قرار گیرد و به غنای ادبیات جامعه‌شناسی دین در جهان اسلام بیفزاید.

یافته‌های این پژوهش دارای دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاران فرهنگی، نهادهای دینی و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه گفت‌وگوی ادیان است. نتایج نشان می‌دهد موفقیت یا ناکامی جنبش‌های مذهبی بیش از آنکه تابع تبلیغات مستقیم باشد، به میزان انطباق آنها با ساختارهای فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جوامع مقصد وابسته است. از این رو، سیاست‌گذاران فرهنگی می‌توانند در طراحی برنامه‌های ارتباطات بین‌فرهنگی و بین‌مذهبی، به ظرفیت‌های بومی موجود در جوامع مسلمان توجه بیشتری داشته باشند. همچنین تجربه نیجریه نشان می‌دهد که اشتراکات مذهبی میان گروه‌های مختلف اسلامی، به‌ویژه محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)، می‌تواند مبنایی برای توسعه گفت‌وگوی بین‌مذهبی، کاهش تنش‌های فرقه‌ای و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز باشد.

منابع

۱. زمانی محبوب، حبیب (۱۴۰۱). بررسی جنبش شیخ عثمان بن فودی و اندیشه‌های جهادی وی، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۵، ص ۱۳۳-۱۵۲.
۲. شاهدی، سیدمحمد (۱۳۹۷). تصوف در غرب آفریقا و تأثیرپذیری از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام. (ج ۱). قم: ذوی القربی.
۳. کردی، حمیدرضا (۱۳۹۴). شیعیان نیجریه (فرصت‌ها، تهدیدها، باورها). فصلنامه علمی و فنی پیام. (۱۱۶)، ۱۱۹-۱۱۸.
۴. مزروعی، محمدحسن (۱۳۶۶). اسلام در نیجریه، کیهان فرهنگی. (۳۷). ص ۲۱-۱۸.
۵. منصوری پارسا، مستانه (۱۳۹۳). بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی شیعیان نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران. قم: دانشگاه قم.
۶. نصیری، معصومه (۱۳۸۹). جمهوری فدرال نیجریه؛ تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. نعمتی، احمد؛ کردی، آذر (۱۳۹۹). مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام و تأثیرپذیری ائمه مذاهب اهل سنت از ایشان، فصلنامه صراط. (۲۲)، ۸۳-۱۰۶.
7. Giddens, A. (1979). *Central problems in social theory: Action, structure and contradiction in social analysis*. University of California Press.
8. Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Polity Press.

مصاحبه

۱. مصاحبه با مسئول وقت اداره آفریقای معاونت بین‌الملل جامعةالمصطفی العالمیه در بهمن ۱۴۰۰.
۲. مصاحبه با ده نفر از طلاب نیجریه‌ای در قم، دی و بهمن ۱۴۰۰.

اطلاعات مصاحبه شونده‌های نیجریه‌ای					
نام و نام خانوادگی	منطقه	قومیت	سن	وضعیت تحصیلی و اجتماعی	
۱	م.م.ا	یوبه	هوسا	۷۵	از اعضای ارشد جنبش اسلامی نیجریه و از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۲	آ.م.ا	کوگی	ایبرا	۵۶	از فارغ التحصیلان جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۳	م.ا.آ	کانو	هوسا	۵۰	از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۴	ح.ا.م	کانو	هوسا	۴۵	از مدیران شبکه جهانی هادی تی وی و از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۵	ع.ب	سوکوتو	هوسا یا فولانی	۴۲	از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۶	ص	کوارا	یوروبا	۴۱	نائب رئیس وقت اتحادیه کشورهای آفریقایی جامعه‌المصطفی العالمیه قم و از طلاب آن
۷	ع.ح	بائوچی	فولانی	۳۹	از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۸	ا.ا.ا	یوبه	فولانی	۳۵	از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۹	ش.م	کادونا	هوسا	...	از کارشناسان نیجریه‌ای هادی تی وی و از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم
۱۰	م.ر	کبی	هوسا	...	از طلاب جامعه‌المصطفی العالمیه قم

مستند تلویزیونی

۱. رفیعی روح‌الله (۱۳۹۸). مستند خلیل آفریقا؛ روایتی مستند از جنبش اسلامی نیجریه. گروه مستند روایت فتح. قابل دسترسی در: www.aparat.com.

وبسایت‌های فارسی

۱. وبسایت خبرگزاری فارس (۱۳۹۴، دی). اطلاعات بی‌نظیر از نیجریه؛ از نام‌گذاری دوقلوها به حسن و حسین تا ردپای آمریکا در کشتار مسلمانان. بازیابی شده از: <http://fna.ir/Z0A6UQ>.
۲. وبسایت خبرگزاری فارس (۱۳۹۸، بهمن). وابستگی به نفت نیجریه را به خاک سیاه نشاند / بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت آفریقا پایتخت فقر جهان شد. بازیابی شده از: <http://fna.ir/df0c7j>.
۳. وبسایت رجانوز (۱۳۹۴، آذر). روایت خواندنی یک شاهد عینی از تلاش سی ساله «شیخ زکزی» برای ترویج «اسلام ناب محمدی» در نیجریه / ما شیعیان برای خودمان مدرسه، بیمارستان، بنیاد شهید و نشریه داریم / شیعیان خوشنام‌ترین افراد در نیجریه هستند / برای برگزاری مراسم روز قدس هر سال شهید داده‌ایم. بازیابی شده از: www.rajanews.com/news/229893.

وبسایت‌های خارجی

1. Website World Ometer (2022). *Nigeria Population (LIVE)*. Retrieved from: www.worldometers.info/world-population/nigeria-population/